

دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پس از طلاق و عوامل مرتبط با آن مورد مطالعه: شهر سبزوار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

مریم مصطفوی^۱

اعظم مهدوی پور^۲

شفیعه قدرتی^۳

چکیده

طلاق پدیده‌ای است که به سرعت وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد را دست خوش تغییر قرار می‌دهد. چگونگی مواجهه با شرایط پس از طلاق در میان زنان و مردان متفاوت است. از آنجا که زنان آسیب‌پذیرتر از مردان هستند، در مواجهه با شرایط پس از طلاق و پیامدهای آن، مشکلات بیشتری تجربه می‌کنند. هدف از این تحقیق بررسی دغدغه‌های زنان و برخی عوامل مرتبط با آن پس از تجربه‌ی طلاق می‌باشد. برای انجام این پژوهش از روش ترکیبی استفاده کردیم. به این ترتیب که ابتدا با ۲۰ نفر از زنان مطلقه مصاحبه‌ی عمیق به عمل آمد. در گام بعدی از خلال گفته‌های آنان پرسشنامه‌ی تنظیم شد و از روش پیمایش استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که هیچ یک از متغیرهای مرتبط با خانواده‌ی آنها تأثیر معنی‌داری بر کاهش نگرانی‌های اجتماعی آنان نداشته است. از دیگر سو، نگرانی‌های اقتصادی زنان تحت تأثیر ویژگی‌های خانواده‌ی آنان است و تحصیلات پدر و مادر، تعداد فرزندان زنان، و نحوه‌ی دریافت نفقه، رابطه‌ی معنی‌دار و کاهنده‌ای با نگرانی‌های اقتصادی آنان دارد. بدین ترتیب، می‌توان گفت وجوه اجتماعی نگرانی‌ها، ابعاد عمیق‌تری دارد. بررسی عوامل مرتبط با نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی نشان داد که نقش خانواده در کاهش نگرانی‌های اقتصادی زنان می‌تواند مهم باشد، اما

۱. کارشناس ارشد مطالعات زنان و مدرس مدعو گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور سبزوار، نویسنده مسؤول
maryammostafavi770@gmail.com

amahdaviipoor@yahoo.com

۲. استادیار جزا و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی

۳. استادیار جمعیت‌شناسی مرکز پژوهشی علوم جغرافیا و مطالعات اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری
shghodrati@gmail.com

نگرانی‌های اجتماعی زنان را تخفیف نمی‌دهد. به عبارت دیگر، نگرانی‌های اجتماعی زنان ابعاد ساختاری دارد و از حوزه‌ی عاملیت زنان و خانواده‌ی آنان فراتر می‌رود. **واژگان کلیدی:** زنان، طلاق، نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی، روش آمیخته، سبزوآر

مقدمه

جامعه ایران به‌عنوان یک جامعه در حال گذار تغییرات اساسی را در حیطه همه‌ی نهادها از جمله نهاد خانواده تجربه می‌کند (والچاک و برنز، ۱۳۶۶: ۱۲-۱۳). یکی از تغییرات اساسی در خانواده‌های ایرانی، افزایش قابل توجه نرخ طلاق است. این پدیده به‌عنوان یک فرایند تعریف می‌شود و نه یک رویداد. این تعریف نه تنها به عامل زمان اشاره دارد، بلکه به چندبعدی بودن و پیچیدگی آن نیز می‌پردازد.

نظریه‌پردازان و پژوهشگران، طلاق را به‌عنوان فرایندی ترکیب شده از مراحل مختلف نگریسته‌اند. این مراحل، تفاوت‌های کیفی در نوع مواجهه با مسائل طلاق و درجه سازگاری افراد با آن را نشان می‌دهد (سیف، ۱۳۷۹، نقلدر اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۲۹). فرایند طلاق نه سریع است و نه آسان؛ دست کم دو سال طول می‌کشد تا طرفین قدرت از دست رفته را بازیابند و زمانی بسیار طولانی‌تر نیاز است تا بر ویرانه‌های بر جای مانده بنایی نو نهند (Clapp, 1992: 57). عوامل تنش‌زا و بحرانی که زوجین به هنگام طلاق و پس از آن تجربه می‌کنند، چرخه‌ای از مسائل و مشکلات را برایشان پدید می‌آورد که ناخواسته نیازمند تغییر و تحولات بی‌شمار و سازگاری با آنهاست. مسأله طلاق پیامدهای اجتماعی و اقتصادی فراوانی برای زنان دارد. پیامدهای این تغییرات، همه‌ی زمینه‌های زندگی را از امور روزمره تا وضعیت اقتصادی، اجتماعی، روانی، هویتی و حتی اهداف زن و مرد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

زنان پس از طلاق بیش از مردان احساس شکست می‌کنند و این موضوع آسیب‌پذیری بیشتر زنان را نسبت به مردان در جامعه نشان می‌دهد. اضطراب، احساس دلتنگی، غمگین بودن، احساس خستگی و عصبانی بودن در بین زنان بیش از مردان است (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۶). زندگی زنان مطلقه نیز جدا از این بحث نیست. زنان مطلقه

به‌عنوان بخشی از این اجتماع نمی‌توانند به دور از هراس‌های فرهنگی و فشارهای اجتماعی به زندگی خود ادامه دهند.

نهاد خانواده در ایران همواره از استحکام و غنای خاصی برخوردار بوده است و بیشتر مسائل فرهنگی و شخصیتی و اجتماعی ما در کانون خانواده شکل می‌گیرد. از این‌رو، مطالعه طلاق از یک‌سو می‌تواند روشنگر برخی ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ما باشد و از سوی دیگر، به شناخت و برنامه‌ریزی در جهت حفظ، ثبات و استحکام نهاد خانواده یاری رساند.

در مورد پیامدهای طلاق، عمده‌ی مطالعات به بحث فرزندان طلاق و آسیب‌هایی از جمله کودک‌آزاری و اعتیاد پرداخته‌اند (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶؛ قره‌باغی، ۱۳۸۹؛ ویزه و دیگران، ۱۳۸۷؛ یعقوبی، سهرابی و مفیدی، ۱۳۹۰). تأکید پژوهش حاضر بر روی تجربه زنان است و به بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی طلاق روی آنها می‌پردازد. شناخت درست و درک عمیق از این موضوع می‌تواند به شناخت بهتر این زنان کمک کند. انسان‌هایی که به‌خاطر پسوند "مطلقه بودن"، با مشکلات و فشارهای اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند. فشارهای اجتماعی می‌تواند باعث بروز مشکلات اقتصادی مانند عدم اشتغال آنها و یا مشکل یافتن مسکن و سرپناه شود. لذا بررسی شرایط زنان پس از طلاق، حائز اهمیت بسیار است.

سبزوار یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که از نظر جمعیت، پس از شهر مشهد، دومین شهر استان محسوب می‌شود. داده‌های مربوط به سازمان ثبت احوال کشور، حاکی از روند افزایشی نرخ طلاق در این شهرستان است. جدول ۱ تغییرات نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور و شهرستان سبزوار را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این نسبت روند افزایشی دارد و این افزایش در شهرستان سبزوار، سریع‌تر از کل کشور است.

جدول (۱) نسبت طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج در کشور و شهرستان سبزوار

سال	کل کشور	سبزوار
۱۳۸۵	۱۲/۱	۱۰/۳
۱۳۹۰	۱۶/۳	۱۷/۵
۱۳۹۳	۲۲/۶	۲۶/۸

منبع: سازمان ثبت احوال

در این بخش به مرور تحقیقات پیرامون طلاق می پردازیم. اخوان تفتی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان «پی آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن» با استفاده از روش پیمایشی به بررسی تجربه‌ی زنان و مردان پس از طلاق در شهر تهران می‌پردازد. بررسی نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی، تأثیر مشابهی بر زنان و مردان داشته است، اما نگرانی زنان از آینده اقتصادی و فرزندان و نیز نگرانی از نگرش مردم، بیشتر از مردان بوده است. هم زنان و هم مردان، احساس مشابهی از رهایی پس از طلاق، خوش‌بینی نسبت به آینده و عدم تمایل به مشورت با دوستان درباره جدایی‌شان داشته‌اند. به‌علاوه دشواری مراحل طلاق برای مردان و زنان تجربه مشابهی بوده است، اما زنان آسیب‌پذیری اجتماعی بیشتری از طلاق دارند.

قطبی و دیگران (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد» به این نتیجه رسیدند که پس از طلاق، زنان بیشتر با والدین و مردان بیشتر به تنهایی زندگی می‌کنند. هم‌چنین عدم امنیت اجتماعی در زنان بارزتر و احساس افسردگی در مردان شایع‌تر است.

نصیری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «توزیع جغرافیایی فقر مسکن و پراکندگی زنان مطلقه خانه‌دار در مناطق ۲۲ گانه تهران» به این نتیجه رسید که یکی از راه‌های کاهش فقر و محرومیت، توجه ویژه در زمینه احداث مسکن مناسب برای گروه‌های کم‌درآمد با تأکید بر زنان مطلقه خانه‌دار است که یکی از نیازهای ضروری، لزوم دخالت دولت در تأمین مسکن است.

صادقی فسایی و ایثاری (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی» به بررسی درک کنشگران از ابعاد گوناگون زندگی پس از طلاق به تفکیک جنسیت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد طلاق برای زنان پیامدهای متعددی در حیطه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی، جنسی، ارتباطی و فرزندان به همراه دارد که این پیامدها، برای زنان و مردان متفاوت است.

شیخی و دیگران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن: مطالعه‌ای کیفی» به بررسی علل پنهانی طلاق پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین جنبه از جنبه‌های مثبت طلاق، شامل بازیابی استقلال، رهایی از قید حیات ناجور و گسترش فردگرایی مثبت در جامعه می‌باشد. به‌علاوه محققان به این نکته اشاره کردند که جنبه مثبت طلاق، به معنی رهایی وجود شری به نام ازدواج ناجور است.

زارعی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «طلاق از دید زن مطلقه: پژوهش کیفی» به این نتیجه رسیدند که درک مفهوم طلاق برگرفته از باورهای جامعه است. به‌عبارتی، طلاق نه تنها یک مقوله اجتماعی- فرهنگی است، بلکه یک تعیین کننده اجتماعی مؤثر بر سلامت زنان نیز می‌باشد.

تحقیقی توسط آقاجانیان و مقدس (Aghajanian & Moghaddas: 1998) در شهر شیراز انجام گرفت. این تحقیق به روش پیمایشی است و نتایج آن نشان می‌دهد که بی‌ثباتی اجتماعی حاصل از جنگ، شرایط را برای افزایش نرخ طلاق در ایران فراهم کرد و این روند افزایشی بعد از آتش بس و شروع گفتگوهای صلح، رو به کاهش نهاد. تحلیل پیامدها و تعیین کننده‌های طلاق در ایران نشان می‌دهد که تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یافته‌های مطالعات انجام شده در کشورهای غربی دارد. بر خلاف ایالات متحده، رابطه معکوسی بین سن ازدواج و طلاق در ایران وجود ندارد. در حقیقت، زنان ازدواج کرده در سنین بالاتر از شانس طلاق بالاتری برخوردارند. تحصیلات بالاتر و نقش‌های خارج از خانه برای زنان، تأثیر مثبتی بر طلاق را نشان می‌دهد. در کل پیامدهای اقتصادی طلاق برای زنان ایرانی جدی است. زنان بعد از طلاق فرصت‌های بسیار کمی برای کار

کردن دارند و می‌توان گفت که فقط شبکه‌های خانوادگی و غیررسمی به حمایت از زنان مطلقه می‌پردازند. همان طوری که اکثر مطلقه‌ها از خانواده‌های کارگری هستند، بنابراین مراقبت از زنان مطلقه برای این خانواده‌ها، از لحاظ اقتصادی بسیار مشکل است. هم‌چنین این مطالعه بیان‌گر اثرات روان‌شناختی عمیقی است که طلاق بر زنان مطلقه و فرزندان‌شان در ایران می‌گذارد.

مولینا (Molina, 2000) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر پدیده‌ی طلاق بر زنان مطلقه پرداخته است. او نتیجه می‌گیرد زنان مطلقه در معرض مشکلات مالی و احساسی‌اند، چرا که از حقوق کم و عدم حمایت فرزندان و کمبود خرجی برخوردار هستند. عوامل فرهنگی از قبیل اعتقاد به خدا، اخلاق کاری و روابط خانوادگی بسته و تلاش برای رسیدن به موفقیت از عوامل تغییر در نگرش به طلاق است.

مطالعه هیک و اپ (Heik & Opp: 2007) به بررسی شرایطی می‌پردازند که در آن افراد فکر می‌کنند که زوجین باید طلاق بگیرند یا نه. محققان با استفاده از نظریه‌ای در مورد ظهور هنجارها استدلال می‌کنند که فشارهای بیرونی در مورد طلاق و ازدواج و یکپارچگی در شبکه‌های اجتماعی حامی طلاق، تعیین‌کننده‌های مهمی در ظهور این هنجارها هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگر کیفیت ازدواج نامطلوب باشد، هر دو طرف روابط خارج از ازدواج داشته باشند و فرزندی نداشته باشند، در این صورت یک هنجار طلاق ساده‌گیر با اقبال مواجه می‌شود.

در مطالعه خود به بررسی تجربیات ۳۱ زن مطلقه پرداخته است. این پژوهش در ترکیه انجام شده و با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه‌مبنایی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد هر چند طلاق باعث مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌شود، اما از طرفی زندگی را بهبود می‌بخشد

بدین ترتیب می‌توان گفت پدیده‌ی طلاق و رشد سریع آن در سبزوار، قابل تأمل است و مسأله‌ی پژوهش حاضر، بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تجربه‌ی طلاق برای زنان در این شهر است. به عبارت دیگر، سؤال این است که زنان پس از طلاق با چه نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو هستند و عوامل تأثیرگذار بر آن چه می‌باشد؟

هدف اصلی تحقیق، بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تجربه‌ی طلاق بر روی زنان است. اهداف جزئی تحقیق عبارت است از:

- ۱- بررسی نگرانی‌های اجتماعی زنان پس از طلاق؛
- ۲- بررسی نگرانی‌های اقتصادی زنان پس از طلاق؛
- ۳- بررسی تأثیرات متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی بر نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان مطلقه.

نظریات تحقیق

نظریات متعددی در مورد طلاق و عوامل مرتبط با آن ارائه شده است، اما مطالعه‌ی حاضر به پیامدهای طلاق توجه دارد و از این‌رو در این قسمت به مرور مفاهیم نظری پیرامون پیامدهای طلاق می‌پردازیم و از مرور نظریات مربوط به عوامل مرتبط با طلاق صرف نظر می‌کنیم. مفاهیم مورد بررسی از نظریه‌ی برجسب‌زنی، نظریه یوهانن^۱ و ویس^۲ اخذ شده است.

نظریه‌ی برجسب‌زنی در پاسخ به این سؤال که چرا برخی افراد برجسب کج‌روی در جامعه می‌خورند، ارائه شده است. طبق این نظریه، کسانی که نماینده نیروهای نظم و قانون‌اند، می‌توانند تعاریف اخلاق را به دیگران تحمیل کنند و در نتیجه، منابع اصلی برجسب‌زنی را فراهم کنند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

از نظر بکر^۳، کج‌رفتاری تعریفی است که جامعه آن را می‌سازد، یعنی گروه‌های اجتماعی با ساختن قوانینی که خدشه‌دار کردن آنها کج‌روی به حساب می‌آید، مفهوم کج‌روی را می‌سازند. بدین ترتیب، انحراف عملی نیست که واقع شده، بلکه نتیجه‌ی اعمال آن قانون از جانب دیگران، نسبت به فردی است که آن را مرتکب شده است (شرافتی‌پور، ۱۳۸۴: ۵۰). افراد دارای رفتار بهنجار، چون منفعت خود را در رفتار بهنجار می‌بینند، طبق عرف جامعه عمل می‌کنند، در حالی که کافی است فردی به‌دلیل بی‌اطلاعی از قانون یا

1. Bohannon

2. Weiss

3. Becker

خرده فرهنگ خاص، خود عملی انجام بدهد و انگ انحراف بخورد. برای برچسب خوردن، کافی است که فرد یک بار جرمی را مرتکب شود. از آنجا که وی برچسب عدم رعایت قوانین را خورده است، سایر انحرافات را به وی نسبت می دهند و کم کم او از جامعه دور می شود و به کج روی بیشتر می گراید (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

حال این سؤال به وجود می آید، آیا طلاق برچسب اجتماعی است که موجب منزوی شدن افراد می شود؟

نظریه یوهانن

به اعتقاد یوهانن، چنان چه زوجی تصمیم به طلاق بگیرند، تعدادی مراحل انتقالی عمده در سبک و نگرش زندگی باید طی شود. وی شش مرحله متداخل طلاق را متمایز می سازد که زوجی که از یکدیگر جدا می شوند، ناچارند آنها را پشت سر بگذارند. همه این مراحل ممکن است دشواری ها و تنش هایی پدید آورد که بر زن، شوهر، فرزندان، خویشاوندان و دوستان آنها تأثیر بگذارد. در این مراحل، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و روانی طلاق بیان شده است. این شش مرحله عبارتند از:

- طلاق عاطفی: بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال است. تنش فزاینده زن و شوهر معمولاً به جدایی می انجامد.
 - طلاق قانونی: متضمن زمینه ها و دلایلی است که بر پایه آن به ازدواج پایان داده می شود.
 - طلاق اقتصادی: به تقسیم ثروت و دارایی ها مربوط می شود.
 - طلاق هماهنگی میان والدین: مسائل نگهداری کودک و حتی ملاقات را در بر می گیرد.
 - طلاق اجتماعی: به تغییر در دوستی ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می شود که فرد طلاق گرفته با آن سروکار دارد.
 - طلاق روانی: از طریق آن فرد باید پیوندها و وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنها زیستن روبه رو شود.
- همان طور که می بینیم طلاق عاطفی سرچشمه انواع دیگر طلاق است. در مورد مراحل

اول و دوم، زن و مرد کم و بیش آسیب پذیرند، اما در مراحل سه تا شش آسیب پذیری زن در جامعه بسیار بیشتر از مرد است. این بیانگر فاصله ای است که بین زن و مرد در جامعه ما وجود دارد و آسیب های بعدی را برای زن در طول زندگی و پس از طلاق به دنبال می آورد (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۱).

نظریه رابرت ویس

ویس معتقد است که طلاق باعث تحول ارتباطات اجتماعی زوجین طلاق گرفته با دوستان خانوادگی می شود. این نظریه هم چون نظریه یوهانن به فرایندی که زنان پس از طلاق تجربه می کنند، پرداخته است. به نظر وی تغییر در روابط و پایگاه اجتماعی افراد پس از طلاق، دارای مراحل است که عبارتند از:

مرحله اول: توجه و همدردی بیش از حد آنها که حتی گاه موجب مزاحمت می شود.

مرحله دوم: تغییر دیدگاه آنها در مورد فرد و اعتقاد به تغییر مسیر وی.

مرحله سوم: جدایی تدریجی به علت حذف اشتراک های قبلی و این که ادامه ارتباط نفعی به حال هیچ یک از طرفین ندارد (Weiss, 1975). نقل در اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

تغییر در روابط اجتماعی، یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر زندگی زنان مطلقه است و پیامدهایی هم به دنبال دارد. در بررسی عوامل مرتبط با تجربه و نگرانی های زنان پس از طلاق، به بررسی پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان و خانواده ی آنها، نحوه ی دریافت نفقه و برخی متغیرهای زمینه ای از جمله سن زنان در هنگام ازدواج و طلاق و تعداد فرزندان آنها می پردازیم. هدف از این تحقیق، مطالعه ی پیامدهای طلاق برای زنان است و از این رو، متغیر وابسته به صورت نگرانی های اجتماعی و اقتصادی زنان تعریف شده است.

فرضیات تحقیق که شامل روابط بین متغیرهای پیش بین و دو متغیر نگرانی های اجتماعی و نگرانی های اقتصادی است، به شرح زیر می باشد:

۱- به نظر می رسد بین متغیرهای زمینه ای (سن هنگام ازدواج و طلاق و تعداد فرزندان)

- و نگرانی‌های اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن هنگام ازدواج و طلاق و تعداد فرزندان) و نگرانی‌های اقتصادی، رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی زنان (تحصیلات والدین، تحصیلات فرد و وضعیت شغلی فرد) و نگرانی‌های اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی زنان (تحصیلات والدین هنگام ازدواج و طلاق، تحصیلات فرد و وضعیت شغلی فرد) و نگرانی‌های اقتصادی، رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین نحوه‌ی دریافت نفقه و نگرانی‌های اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین نحوه‌ی دریافت نفقه و نگرانی‌های اقتصادی، رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش آمیخته یا ترکیبی انجام شده است. روش آمیخته یا ترکیبی روشی است که در آن، روش کمی و کیفی با هم ترکیب می‌شود. لازارسفلد و واگنر^۲ این دیدگاه را توسعه دادند. بر طبق نظر آنها می‌توان در مطالعات به روش کمی، از روش‌های تحقیق کیفی نیز بهره گرفت. در این صورت است که با استفاده از داده‌های کیفی به‌مثابه مبنا، پرسشنامه می‌تواند به واقعیت نزدیک‌تر شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۵۰). این دیدگاه چنین استدلال می‌کند که هیچ‌گاه به صرف گردآوری و تحلیل داده‌های کمی و یا گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی نمی‌توان مطمئن بود که حقیقت به چنگ آمده است (Gephart, 1988). رویکردهای روش‌شناختی مدعی است که پس از جنبش‌های روش‌شناختی کمی و کیفی، سومین جنبش روش‌شناختی را به راه انداخته است (Tashakkori & Teddli, 2003: 3). پدیده طلاق تک علتی نیست و به‌دلیل زمینه‌مند بودن با تغییر بستر اجتماعی، تغییر پیدا می‌کند. بدین ترتیب، به منظور مطالعه‌ی آن روش آمیخته انتخاب گردید. این روش از یک‌سو، به بستر مطالعه و تضمینات فرهنگی، اجتماعی آن پای‌بند است و از سوی دیگر، قابلیت

1. Mixed method
2. Lazarsfeld & Vagner

تعمیم نتایج را محدود نمی‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، ابتدا به کمک روش کیفی، با ۲۰ نفر از زنان مطلقه مصاحبه عمیق^۱ انجام شد و به کمک مفاهیم و مقولاتی که از مصاحبه‌ی عمیق استخراج شد، پرسشنامه‌ای تدوین گردید. سپس به کمک روش پیمایش و ابزار پرسشنامه، داده‌ها جمع‌آوری شد. روش پیمایش روشی است برای گردآوری داده‌ها که در آن از گروه معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص که برای همه افراد یکسان است، پاسخ دهند. این پاسخ‌ها، مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می‌دهند (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۹۶).

براساس نظریه یوهانن و مفهوم‌پردازی آن از مراحل طلاق (طلاق اجتماعی و روانی) و همچنین نظریه برجسب‌زنی (نگرانی زنان از نگاه جامعه و اطرافیان نسبت به آنها) مفهوم «نگرانی‌های اجتماعی زنان» استنباط شد و در قالب سؤالاتی سنجش شد. سنجه‌های مفاهیم مذکور براساس یافته‌های مصاحبه‌های عمیقی است که پیش از پیمایش انجام شد. بدین ترتیب، در ابتدا با ۲۰ نفر از زنان مطلقه مصاحبه عمیق انجام شد و در مصاحبه‌ها از مصاحبه نیمه استاندارد استفاده شده است.

بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ی عمیق، سنجه‌های طراحی شده برای سنجش مفهوم نگرانی‌های اجتماعی زنان پس از طلاق شامل نگرانی از حرف مردم، نگرانی از موقعیت اجتماعی خود بعد از طلاق، نگرانی از تنهایی و همچنین نگرانی در مورد عدم ازدواج می‌باشد.

نگرانی‌های اقتصادی نیز در قالب نگرانی از وضعیت اقتصادی و مالی، نگرانی از موقعیت شغلی و نگرانی از تأمین مسکن سنجش شده است.

متغیرهای پیش‌بین شامل متغیرهای زمینه‌ای، پایگاه اجتماعی^۲ زنان و خانواده‌ی آنها و نحوه‌ی دریافت نفقه است. متغیرهای زمینه‌ای شامل سن زنان در هنگام ازدواج و طلاق و تعداد فرزندان است. پایگاه اجتماعی زنان به کمک متغیرهای تحصیلات زنان، وضعیت

1. Indepth Interview

۲. در ابتدا محققین تصمیم بر سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان داشتند، اما به دلیل حساسیت زنان و عدم پاسخ به پرسش مربوط به میزان درآمد، مجبور به حذف پایگاه اقتصادی شدند.

شغلی آنها و تحصیلات والدین آنها سنجش می‌شود. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق عبارت است از کلیه زنان مطلقه‌ای که ساکن شهر سبزوار هستند. انتخاب شهر سبزوار توسط محقق به‌عنوان میدان مورد مطالعه، به‌دلیل آشنا بودن وی با بستر اجتماعی و فرهنگی این شهر است. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری گلوله‌برفی است و به‌خاطر حساسیت موضوع، بیشتر از این نوع نمونه‌گیری استفاده شده است. نمونه‌گیری گلوله‌برفی نمونه‌گیری است که در آن پژوهشگر یک شرکت‌کننده را از طریق شخص دیگری پیدا می‌کند. اگر آگاهی‌دهندگان به‌راحتی در دسترس نباشند و یا در مواردی که ناشناس و گمنام بودن آنها مورد نظر باشد، پژوهشگران از نمونه‌برداری گلوله‌برفی استفاده می‌کنند (هومن، ۱۳۹۱: ۸۹).

نمونه این تحقیق عبارت است از ۱۵۰ نفر از زنانی که از همسران خود جدا شده‌اند. این نمونه‌گیری در سال ۱۳۹۴ و طی چهار ماه صورت گرفت.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا به تحلیل توصیفی و سپس آزمون فرضیه‌ها می‌پردازیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بین پاسخگویان، بیشترین فراوانی ازدواج در سن ۱۶ تا ۱۹ سالگی است (۴۴٪). طلاق در سن ۲۵ تا ۳۱ سالگی بیشترین فراوانی را به‌خود اختصاص داده است (۳۶٪). اکثر طلاق‌ها به درخواست زنان صورت گرفته است که اغلب دارای سواد متوسط هستند. بیشتر زنان مطلقه ۳ تا ۵ سال است که از همسران خود جدا شده‌اند.

جدول ۲، توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب گروه سنی در زمان ازدواج را نشان می‌دهد. برطبق این جدول، قریب به ۱۷٪ از پاسخگویان در گروه سنی ۱۲-۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. ۴۴٪ از پاسخگویان در گروه سنی ۱۶-۱۹ سال ازدواج کرده‌اند که اکثر پاسخگویان در این گروه سنی قرار دارند. ۲۸/۷٪ از زنان در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال ازدواج کرده‌اند که پس از گروه دوم، بیشترین درصد فراوانی را به‌خود اختصاص

داده است. گروه چهارم هم مربوط به افرادی است که در بازه ی سنی ۲۵-۳۱ سال قرار می گیرند که کمترین افراد پاسخگو، به این گروه اختصاص دارد. میانگین سن ازدواج در بین پاسخگویان ۱۹/۰۶ سال می باشد. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگو، دو نفر به سؤال فوق پاسخی نداده اند.

جدول ۲) توزیع فراوانی پاسخگویان براساس سن در هنگام ازدواج

گروه های سنی	فراوانی	درصد
۱۲-۱۵	۲۵	٪۱۶/۷
۱۶-۱۹	۶۶	٪۴۴
۲۰-۲۴	۴۳	٪۲۸/۷
۲۵-۳۱	۱۴	٪۹/۳
کل	۱۴۸	٪۹۸/۷

جدول ۳، نشانگر توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سن زنان در زمان طلاق است. بر طبق این جدول، بیشتر زنان در گروه های سنی ۲۰-۲۴ سال و ۲۵-۳۱ سال از همسران خود جدا شده اند. تنها ۲٪ از پاسخگویان در گروه سنی ۱۲-۱۵ سال طلاق گرفته اند که کمترین افراد پاسخگو در این گروه قرار دارند. میانگین سن زنان هنگام طلاق، ۲۷/۰۱ سال است. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگو، یک نفر به سؤال فوق پاسخی نداده است.

جدول ۳) توزیع فراوانی پاسخگویان براساس سن هنگام طلاق

گروه های سنی	فراوانی	درصد
۱۲-۱۵	۳	٪۲
۱۶-۱۹	۸	٪۵/۲
۲۰-۲۴	۵۲	٪۳۴/۶
۲۵-۳۱	۵۴	٪۳۶
۳۲-۳۶	۲۱	٪۱۴/۱
۳۷ سال به بالا	۱۱	٪۷/۴
کل	۱۴۹	٪۹۹/۳

جدول ۴، میزان تحصیلات زنان پاسخگو و سطح تحصیلات والدین آنها را نشان می‌دهد. بر طبق این جدول، ۳۶٪ از زنان پاسخگو هنگام جدایی از همسر، سواد کمتر از سیکل داشته‌اند و ۴۲/۷٪ از آنان در حد متوسطه و تنها ۲۱/۳٪ از آنها دارای سواد دانشگاهی بوده‌اند. دو ستون بعدی جدول نیز سطح تحصیلات پدر و مادر پاسخگویان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم ۲۴٪ از پدران افراد پاسخگو و ۳۹/۴٪ از مادران افراد پاسخگو، بی‌سواد هستند. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر، دو نفر از افراد به سؤال مربوط به سطح تحصیلات پدر و یک نفر به سؤال مربوط به سطح تحصیلات مادر، پاسخی نداده‌اند.

جدول ۴) توزیع فراوانی نمونه تحقیق براساس میزان تحصیلات پدر و مادر

	تحصیلات زن		تحصیلات پدر		تحصیلات مادر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بی سواد	۰	۰	۳۶	۲۴٪	۵۹	۳۹/۴٪
کمتر از سیکل	۵۴	۳۶٪	۹۳	۶۲/۱٪	۷۴	۴۸/۶٪
متوسطه	۶۴	۴۲/۷٪	۱۶	۱۰/۸٪	۱۴	۹/۶٪
بالتر از متوسطه	۳۲	۲۱/۳٪	۳	۲/۱٪	۲	۱/۴٪
کل	۱۵۰	۱۰۰٪	۱۴۸	۱۰۰٪	۱۴۹	۱۰۰٪

جدول ۵، توزیع فراوانی پاسخگویان را براساس تعداد فرزندان نشان می‌دهد. براین اساس، بیشتر پاسخگویان هیچ فرزندی ندارند (۳۹٪). پس از آن بیشترین درصد فراوانی مربوط به زنانی است که یک فرزند دارند که ۳۲٪ را شامل می‌شود. ۲۱٪ زنان دو فرزند دارند. کمترین مقدار هم مربوط به زنان دارای سه فرزند و یا بیشتر از آن است که ۸٪ می‌باشد.

جدول ۵) توزیع فراوانی پاسخگویان براساس تعداد فرزندان

تعداد فرزندان	فراوانی	درصد
بدون فرزند	۵۸	۳۹٪
دارای یک فرزند	۴۸	۳۲٪
دارای دو فرزند	۳۲	۲۱٪

دارای سه فرزند و یا بیشتر	۱۲	۸٪
کل	۱۵۰	۱۰۰٪

جدول ۶، توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال آنان را نشان می‌دهد. بر این اساس، ۶۰٪ از زنان شاغل و تنها ۴۰٪ بیکار هستند. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگو، پنج نفر به سؤال فوق، پاسخی نداده‌اند.

جدول ۶) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت شغلی

موقعیت شغلی پاسخگویان	فراوانی	درصد
شاغل	۸۷	۶۰٪
بیکار	۵۸	۴۰٪
کل	۱۴۵	۱۰۰٪

جدول ۷، توزیع فراوانی و درصدی مربوط به نحوه دریافت نفقه است. داده‌ها حاکی از آن است که تنها قریب ۶٪ از زنان نفقه دریافت می‌کنند و حدود ۹۴٪ از آنان نفقه‌ای دریافت نکرده‌اند. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگو، سیزده نفر به سؤال فوق پاسخی نداده‌اند.

جدول ۷) توزیع فراوانی و درصدی نحوه دریافت نفقه

دریافت نفقه	فراوانی	توزیع درصدی
بخشش نفقه	۸	۵/۸٪
عدم پرداخت	۹۲	۶۷/۲٪
مجموع	۱۳۷	۱۰۰٪

جدول ۸، نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پاسخگو پس از طلاق را نشان می‌دهد. در این طیف پنج قسمتی، بیشترین نمره پنج و کمترین نمره یک است. در این جا از مجموع پاسخ‌های "خیلی زیاد" و "زیاد"، می‌توان درصد نگرانی‌های اجتماعی پاسخگویان در هر گویه را سنجید. بر همین اساس ۵۵/۴٪ از پاسخگویان، نگران حرف

مردم هستند. ۶۴/۶٪ نگران موقعیت اجتماعی خود و ۵۸/۶٪ از تنها ماندن خود در آینده هراس دارند. هم‌چنین ۳۴/۷٪ از افراد پاسخگو، برای عدم امکان ازدواج مجدد خود نگران هستند. ترکیب چهار گویه مذکور (میانگین چهارگویه)، متغیر نگرانی‌های اجتماعی زنان را ساخته است. میانگین این متغیر ۳/۳۹ است که نشان می‌دهد نگرانی‌های اجتماعی زنان، بیش از حد متوسط (۲/۵) می‌باشد. سطر بعدی جدول ۸، توزیع فراوانی پاسخگویان براساس نگرانی‌های اقتصادی زنان مطلقه را نشان می‌دهد. براساس داده‌های جدول و از مجموع پاسخ‌های "بسیار زیاد" و "زیاد" می‌توان درصد پاسخ‌های زنان را به دست آورد. بدین ترتیب ۷۲/۶٪ نگران وضعیت اقتصادی و مالی خود هستند. ۶۷/۴٪ نگران تأمین مسکن هستند و ۵۳/۳٪ نگران موقعیت شغلی خود هستند. ترکیب این سه گویه (میانگین گویه‌ها) متغیر نگرانی‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. میانگین این متغیر ۳/۷ است که نشان می‌دهد نگرانی‌های اقتصادی زنان از حد متوسط (۲/۵) بالاتر است.

جدول ۸) توزیع فراوانی نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پس از طلاق

هرگز	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مؤلفه‌ها	نگرانی‌های اجتماعی
فراوانی: ۲۹٪ درصد: ۱۹/۳٪	فراوانی: ۲۱٪ درصد: ۱۴٪	فراوانی: ۱۷٪ درصد: ۱۱/۳٪	فراوانی: ۲۸٪ درصد: ۱۸/۷٪	فراوانی: ۵۵٪ درصد: ۳۶/۷٪	حرف مردم	
فراوانی: ۱۳٪ درصد: ۸/۷٪	فراوانی: ۱۲٪ درصد: ۸٪	فراوانی: ۲۵٪ درصد: ۱۶/۷٪	فراوانی: ۳۸٪ درصد: ۲۵/۳٪	فراوانی: ۵۹٪ درصد: ۳۹/۳٪	موقعیت اجتماعی	
فراوانی: ۲۱٪ درصد: ۱۴٪	فراوانی: ۲۱٪ درصد: ۱۴٪	فراوانی: ۱۹٪ درصد: ۱۲/۷٪	فراوانی: ۲۹٪ درصد: ۱۹/۳٪	فراوانی: ۵۹٪ درصد: ۳۹/۳٪	تنهایی در آینده	
فراوانی: ۴۹٪ درصد: ۳۲/۷٪	فراوانی: ۲۹٪ درصد: ۱۹/۳٪	فراوانی: ۲۰٪ درصد: ۱۳/۳٪	فراوانی: ۱۵٪ درصد: ۱۰٪	فراوانی: ۳۷٪ درصد: ۲۴/۷٪	عدم ازدواج مجدد	

فراوانی: ۱۲٪ درصد: ۸٪	فراوانی: ۱۷٪ درصد: ۱۱/۳٪	فراوانی: ۱۲٪ درصد: ۸٪	فراوانی: ۴۱٪ درصد: ۲۷/۳٪	فراوانی: ۶۸٪ درصد: ۴۵/۳٪	وضعیت اقتصادی و مالی	نگرانی های اقتصادی
فراوانی: ۱۰٪ درصد: ۶/۷٪	فراوانی: ۱۵٪ درصد: ۱۰٪	فراوانی: ۲۳٪ درصد: ۱۵/۳٪	فراوانی: ۳۱٪ درصد: ۲۰/۷٪	فراوانی: ۷۰٪ درصد: ۴۶/۷٪	تأمین مسکن	
فراوانی: ۱۹٪ درصد: ۱۲/۷٪	فراوانی: ۲۱٪ درصد: ۱۴٪	فراوانی: ۱۷٪ درصد: ۱۱/۳٪	فراوانی: ۲۷٪ درصد: ۱۸٪	فراوانی: ۵۳٪ درصد: ۳۵/۳٪	پیدا کردن شغل و یا حفظ آن	

جدول های ۹ و ۱۰، مربوط به آزمون روابط بین متغیرهای پیش بین و ملاک است. متغیرهای پیش بین به دو دسته تقسیم می شوند و شامل پایگاه اجتماعی زنان و متغیرهای زمینه ای است. متغیرهای وابسته نیز عبارت از نگرانی های اجتماعی و نگرانی های اقتصادی است.

جدول ۹ آزمون همبستگی بین متغیرهای زمینه ای و متغیرهای وابسته را نشان می دهد. همان گونه که در این جدول مشاهده می شود، از بین متغیرهای زمینه ای، تنها متغیر سن زنان در هنگام طلاق رابطه ای معنی داری با نگرانی های اجتماعی زنان دارد و جهت رابطه، معکوس می باشد. ضرایب همبستگی در متغیرهای دیگر، معنی دار نیست. ضرایب همبستگی بین متغیرهای زمینه ای و نگرانی های اقتصادی زنان نشان می دهد که سن زنان در هنگام ازدواج و تعداد فرزندان آنها، رابطه ای معنی دار معکوسی با نگرانی های اقتصادی دارد و سن زنان در هنگام طلاق، رابطه ای معنی داری با متغیر مذکور ندارد. سطر بعدی جدول ۹، آزمون روابط بین تحصیلات پاسخ گویان و پدر و مادر آنها از یک سو و نگرانی های اقتصادی زنان را از سوی دیگر نشان می دهد که این رابطه سنجی، به وسیله آزمون همبستگی انجام شده است. نتایج نشان می دهد که تحصیلات زنان، رابطه ای معنی دار و معکوسی با نگرانی های اجتماعی آنها دارد، اما ضرایب مربوط به تحصیلات پدر و مادر معنی دار نیست. ضرایب همبستگی مربوط به نگرانی های اقتصادی زنان نشان می دهد که تحصیلات زنان و تحصیلات پدران آنها اثرات معکوس و معنی داری بر نگرانی های اقتصادی زنان دارد. در تمام روابط، ضرایب همبستگی کمتر از ۰/۲ بوده و بنابراین همبستگی ضعیفی بین آنها برقرار است.

جدول ۹) آزمون همبستگی مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و پایگاه اجتماعی

نگرانی‌های اقتصادی		نگرانی‌های اجتماعی		متغیرهای پیش بین	
سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی		
۰/۰۳۸	-۰/۱۷۹	۰/۲۸۰	- ۰/۰۹۱	سن زنان در هنگام ازدواج	متغیرهای زمینه‌ای
۰/۱۵۵	-۰/۱۲۳	۰/۰۲۱	- ۰/۱۹۲	سن زنان در هنگام طلاق	
۰/۰۴۶	-۰/۱۶۵	۰/۹۹۸	۰/۰۰۰	تعداد فرزندان	
۰/۰۴۶	-۰/۱۶۵	۰/۰۴۵	-۰/۱۵۴	تحصیلات زن	پایگاه اجتماعی
۰/۰۲۹	-۰/۱۸۸	۰/۹۹۸	۰/۰۰۰	تحصیلات پدر	
۰/۰۶۳	-۱۶۰	۰/۱۷۶	-۰/۱۱۳	تحصیلات مادر	

جدول ۱۰، آزمون تفاوت میانگین (T) بین وضعیت اشتغال زنان و نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی آنان را نشان می‌دهد. مقایسه‌ی میانگین نگرانی‌های اجتماعی در زنان شاغل و بیکار نشان می‌دهد که نگرانی‌های اجتماعی زنان بیکار اندکی بیش از زنان شاغل است، اما این تفاوت معنی‌دار نیست. میانگین نگرانی‌های اقتصادی در بین زنان شاغل اندکی بیش از زنان بیکار است، اما این تفاوت نیز معنی‌دار نیست.

جدول ۱۰) آزمون تفاوت میانگین وضعیت شغلی زنان و نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی آنها

سطح معنی‌داری	انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۶۷۰	۱/۳۳۲	۳/۷۳۴	۸۴	شاغل	نگرانی‌های اقتصادی
	۱/۲۹۹	۳/۷۰۲	۴۷	بیکار	
۰/۲۳۰	۱/۲۲۱	۳/۳۰۴	۸۴	شاغل	نگرانی‌های اجتماعی
	۱/۰۱۶	۳/۵۵۳	۵۷	بیکار	

جدول ۱۱، آزمون تحلیل واریانس مربوط به نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی و دریافت نفقه است. بر این اساس، نگرانی‌های اجتماعی در بین زنانی که نفقه‌ی خود را دریافت می‌کنند و زنانی که آن را بخشیده‌اند و یا از سوی همسر سابق پرداخت نمی‌شود، وجود ندارد. از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد که نحوه‌ی دریافت نفقه می‌تواند با نگرانی‌های

اقتصادی زنان مرتبط باشد که در اینجا تفاوت معنی‌داری وجود دارد. آزمون تعقیبی مربوط به تحلیل واریانس نشان داد که تفاوت نگرانی‌های اقتصادی در بین زنانی که نفقه را دریافت نموده‌اند و زنانی که آن را بخشیده‌اند و یا به‌دلایلی به آنها پرداخت نمی‌شود، معنی‌دار است، اما تفاوت نگرانی‌های اقتصادی بین زنانی که نفقه را بخشیده‌اند و یا آن را دریافت نمی‌کنند، معنی‌دار نیست.

جدول (۱۱) آزمون تحلیل واریانس بین متغیرهای وابسته و نحوه دریافت نفقه

سطح معنی‌داری	کمیت F	مجذور میانگین	مجموع مجذورات		
۰/۲۷۵	۱/۳۰۴	۱/۸۱۹	۳/۶۳۷	واریانس بین گروهی	نگرانی‌های اجتماعی
		۱/۳۹۵	۱۸۹/۷۲۵	واریانس درون گروهی	
۰/۰۳۲	۳/۵۵۳	۶/۰۹۹	۱۲/۱۹۷	واریانس بین گروهی	نگرانی‌های اقتصادی
		۱/۷۱۷	۲۱۴/۵۸۰	واریانس درون گروهی	

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق پدیده‌ای است که منجر به تغییرات سریع و شدیدی در وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد می‌گردد. از آنجا که زنان آسیب‌پذیرتر از مردان هستند، در مواجهه با شرایط پس از طلاق و پیامدهای آن، مشکلات بیشتری تجربه می‌کنند و لذا شناخت وضعیت آنان می‌تواند به بهبود شرایط زندگی آنها کمک کند. هدف از این مطالعه بررسی دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پس از طلاق و عوامل مرتبط با آن بود و بدین منظور از روش آمیخته استفاده شد. در ابتدا با ۲۰ نفر از زنان مطلقه مصاحبه‌ی عمیق به عمل آمد و درگام بعدی از خلال گفته‌های آنان، پرسشنامه‌ای تنظیم شد و بین ۱۵۰ نفر از زنان مطلقه پخش گردید.

یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان داد که بیشترین ازدواج به ترتیب در گروه‌های

سنی ۱۹-۱۶ سال و ۲۴-۲۰ سال بوده و بیشترین طلاق در بازه‌ی سنی ۲۵ تا ۳۱ سال می‌باشد. بدین ترتیب درصد زیادی از پاسخ‌گویان پس از طلاق، هنوز در سنین جوانی بوده‌اند و توانایی ادامه تحصیل و یا فعالیت اقتصادی داشته‌اند. سهم بالای اشتغال در بین پاسخ‌گویان (۶۰٪)، نشان می‌دهد که شرایط زنان پس از طلاق، منجر به تلاش آنها برای ورود به بازار کار و انجام فعالیت اقتصادی شده است.

توزیع تعداد فرزندان نشان داد که اکثریت زنان، یعنی ۳۸/۷٪ فرزندی ندارند و بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های پس از طلاق که مربوط به وضعیت فرزندان است، در این زنان تجربه نشده است.

یافته‌های مربوط به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی طلاق حاکی از آن است که این دغدغه‌ها برای زنان جدی است و نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان بیش از حد متوسط می‌باشد. میانگین نگرانی‌های اقتصادی زنان، اندکی بیش از میانگین نگرانی‌های اجتماعی آنان است که نشان می‌دهد دغدغه‌های اقتصادی برای آنان، مهم‌تر می‌باشد. بررسی مؤلفه‌های نگرانی‌های اجتماعی نشان داد که بیشترین نگرانی مربوط به جایگاه آنان در جامعه است و ۶۴/۶٪ از زنان، نگران موقعیت اجتماعی خود هستند. به عبارتی، همان‌گونه که یوهانن استدلال می‌کند، زنان پس از جدایی از همسر و تجربه‌ی طلاق، در مراحل بعدی، طلاق اجتماعی را تجربه می‌کنند. هراس از آینده، دومین نگرانی اجتماعی زنان است و نشان می‌دهد که تلاش‌های آنان برای بهبود شرایط، آنچنان موفق نبوده است و به عبارت دیگر، امکانات و توانایی‌های آنان نمی‌تواند آینده‌ی روشنی برای آنها رقم بزند و آنها نگران تنهایی خود هستند. نگرانی از حرف مردم، سومین دغدغه‌ی زنان است و بیش از نیمی از زنان آن را تجربه می‌کنند. مطابق با نظریه‌ی برچسب‌زنی، زنان فشارهای اجتماعی زیادی را صرفاً به دلیل برچسب طلاق تحمل می‌کنند. کمترین نگرانی پاسخ‌گویان مربوط به ازدواج مجدد است. توزیع پاسخ‌های زنان در مورد مؤلفه‌های نگرانی اقتصادی، نشان می‌دهد که بیشترین نگرانی زنان به ترتیب در مورد وضعیت مالی، مسکن و موقعیت شغلی آنان است. سهم بالای نگرانی از وضعیت مالی (۷۲/۶٪)، نشان می‌دهد که تلاش‌های زنان برای بهبود شرایط اقتصادی

و حمایت‌های خانواده از آنان، منجر به کاهش دغدغه‌های اقتصادی زنان نشده است. سنجش رابطه بین نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی و متغیرهای پیش بین نشان داد که گرچه روابط برخی از متغیرهای پیش بین معنی‌دار نیست، تمام متغیرهای پیش بین رابطه‌ی معکوسی با دو متغیر مذکور دارند و به‌عبارتی، در راستای کاهش نگرانی‌های زنان عمل می‌کنند. سن زنان در هنگام ازدواج رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی‌های اجتماعی زنان ندارد، اما آزمون همبستگی این متغیر با نگرانی‌های اقتصادی، معنی‌دار بود و هر چه زنان در سنین بالاتری ازدواج کرده‌اند، نگرانی‌های اقتصادی آنان پس از طلاق کمتر است. آزمون همبستگی این متغیر به تفکیک مؤلفه‌های نگرانی‌های اقتصادی نشان می‌دهد که این متغیر رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی از وضعیت مسکن دارد و با دیگر متغیرها، رابطه‌ای ندارد. سن زنان در هنگام طلاق، رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی‌های اقتصادی آنان ندارد، اما زنانی که در سنین بالاتری از همسر خود جدا شده‌اند، نگرانی‌های اجتماعی کمتری دارند. آزمون همبستگی بین متغیر مذکور و مؤلفه‌های نگرانی‌های اجتماعی، نشان می‌دهد که سن زنان در هنگام طلاق، رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی از حرف مردم و نگرانی از ناتوانی در ازدواج مجدد دارد و با دیگر مؤلفه‌ها، همبستگی معنی‌داری ندارد. به نظر می‌رسد طلاق در سنین پایین، فشار اجتماعی بیشتری دارد و زنانی که در سنین پایین‌تر از همسر خود جدا می‌شوند، بیش از زنانی که در سنین بالاتر جدا شده‌اند، نگران حرف مردم هستند. تعداد فرزندان نیز رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی‌های اجتماعی زنان ندارد، اما تأثیر کاهنده‌ی آن بر نگرانی‌های اقتصادی، معنی‌دار است.

یکی از متغیرهای پیش بین، پایگاه اجتماعی زنان بود که به کمک تحصیلات زنان و پدر و مادر آنها و نیز وضعیت اشتغال زنان سنجیده شد. تحصیلات زنان تأثیر کاهنده و معنی‌داری بر نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان دارد و این امر نشان می‌دهد که زنان با تحصیلات بالاتر، توانایی بیشتری در مهار نگرانی‌های خود دارند. تحصیلات پدر و مادر رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی‌های اجتماعی زنان ندارد، اما تأثیر کاهنده‌ی آن بر نگرانی‌های اقتصادی، معنی‌دار است. این موضوع نشان می‌دهد که خانواده بیش از آن که

قادر به کاهش نگرانی‌های اجتماعی زنان باشد، می‌تواند نگرانی‌های اقتصادی آنان را کاهش دهد. وضعیت اشتغال زنان تأثیر معنی‌داری بر نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان ندارد و این در حالی است که نگرانی‌های اقتصادی زنان شاغل و نگرانی‌های اجتماعی زنان بیکار، اندکی بیشتر است.

یافته‌ها نشان داد که ۹۴٪ از زنان، نفقه‌ای دریافت نمی‌کنند که رقم قابل توجهی است. نحوه‌ی دریافت نفقه با نگرانی‌های اقتصادی زنان مرتبط است و تفاوت معنی‌داری بین دریافت نفقه و عدم دریافت نفقه وجود دارد، اما ارتباط معنی‌داری بین دریافت نفقه و عدم دریافت نفقه با نگرانی‌های اجتماعی وجود ندارد. نتایج تحقیق با یافته‌های اخوان تفتی (۱۳۸۲)، صادقی فسایی و ایثاری (۱۳۹۱) و آقاجانیان و مقدس (Aghajanian & Moghadas: 1998) هم‌خوانی دارد.

در مجموع، متغیرهای مرتبط بر نگرانی‌های اجتماعی زنان، شامل تحصیلات و سن آنها در هنگام طلاق می‌شود. به‌عبارت دیگر، هیچ یک از متغیرهای مرتبط با خانواده‌ی آنها تأثیر معنی‌داری بر کاهش نگرانی‌های اجتماعی آنان نداشته است. از دیگر سو، نگرانی‌های اقتصادی زنان تحت تأثیر ویژگی‌های خانواده‌ی زنان است و تحصیلات پدر و مادر، تعداد فرزندان زنان و نحوه‌ی دریافت نفقه، رابطه‌ی معنی‌دار و کاهنده‌ای با نگرانی‌های اقتصادی آنان دارد. بدین ترتیب، می‌توان گفت وجوه اجتماعی نگرانی‌ها، ابعاد عمیق‌تری دارد. ارزش‌ها، نگرش‌ها، جهت‌گیری‌ها و کلیشه‌ها، وجوه اجتماعی-فرهنگی‌اند که بیشتر بعد ساختاری دارند و به همین خاطر به نظر می‌رسد برای کاهش نگرانی‌های اجتماعی زنان پس از جدایی از همسر، لازم است فرهنگ‌سازی صورت گیرد و نگرش جامعه به زنان مطلقه تغییر یابد.

منابع

- اخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲). "پی آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن". *فصلنامه مطالعات زنان*، سال اول، ش ۳ (زمستان): ۱۲۷-۱۵۱.
- استراوس، آنسلم؛ کوربین، ژولیت (۱۳۹۰). *فنون و تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران*. تهران: پژوهاک جامعه.
- بیکر، ترزال (۱۳۷۷). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: روشن.
- زارعی، فاطمه، و دیگران (۱۳۹۲). "طلاق از دیدگاه زن مطلقه: پژوهش کیفی". *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، دوره دوم، ش ۳ (پاییز): ۲۳۴-۲۴۷.
- سیف، سوسن (۱۳۷۸-۱۳۷۹). *اصول مشاوره‌ی خانواده (جزوه درسی)*. تهران: دانشگاه الزهرا: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی [چاپ نشده].
- شرافتی‌پور، جعفر (۱۳۸۴). "بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۶). "مقایسه وضعیت بهداشت روانی نوجوانان طلاق و یتیم محروم از مادر و عادی سنین بین ۱۵ تا ۱۸ سال شهر اصفهان". *فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی*، سال دوم، ش ۸ (تابستان): ۷۱-۹۸.
- شیخی، خالد، و دیگران (۱۳۹۰). "درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن: مطالعه‌ای کیفی". *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده (ویژه‌نامه خانواده و طلاق)*، ش ۱ (تابستان): ۶۴-۷۷.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ ایثاری، مریم (۱۳۹۱). "تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی". *زن در توسعه و سیاست*، دوره دهم، ش ۳ (پاییز): ۵-۳۰.
- قره‌باغی، فاطمه (۱۳۸۹). "نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در

- نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک". پژوهش‌های روان‌شناختی، سال سوم، ش ۱ (تابستان): ۸۹-۱۰۸.
- قطبی، مرجان، و دیگران (۱۳۸۳). "وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد". فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، ش ۱۲ (بهار): ۲۷۳-۲۸۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۲). بررسی آسیب‌های اجتماعی روسپیگری. تهران: یادآوران.
- نصیری، معصومه (۱۳۸۶). "توزیع جغرافیایی فقر مسکن و پراکندگی زنان مطلقه خانه‌دار در مناطق ۲۲ گانه تهران". فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۴ (بهار): ۲۲۳-۲۴۰.
- والچاک، ایوت؛ برنز، شیلا (۱۳۶۶). طلاق از دید فرزندان. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- ویزه، اورزولا، و دیگران (۱۳۸۷). "بررسی مقایسه‌ای شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آوران مقطع متوسطه بر حسب جنس، مقطع تحصیلی و سابقه طلاق در خانواده". فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، ش ۱۴ (تابستان): ۱۴۵-۱۶۵.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۱). راهنمای عملی پژوهش‌های کیفی. تهران: سمت.
- یعقوبی، کژال؛ سهرابی، فرامرز؛ مفیدی، فرخنده (۱۳۹۰). "بررسی و مقایسه میزان پرخاشگری کودکان طلاق و عادی". فصلنامه مطالعات روانشناختی، دوره هفتم، ش ۱ (بهار): ۹۷-۱۱۰.
- Aghajanian, Akbar; Moghaddas, Ali Asghar (1998). "Correlates and Consequences of Divorce in An Iranian City". *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol. 28, Issue 3-4: 53-71.
- Clapp, Genevieve (1992). *Divorce and New Beginnings*. New York: Wiley.

- Gephart, R. P. (1988). *Ethnostatistics: Qualitative foundations for quantitative research*. Newbury Park: Sage.
- Heik, Diefenbach; Opp, Karl-Dieter (2007). "When and why do people think there should be a divorce: An application of the factorial survey". *Rationality and Society*, Vol. 19, No.4: 485-517.
- Kavaz, Serap (2010). "Post- Divorce Experience Of Highly Educated And Professional Women". In Partial Fulfillment Of The Requirements For The Degree Of Doctor Of Philosophy In The Department Of Sociology. Middle East Technical University.
- Molina, Olga (2000). "African American women's Unique Divorce Experiences". *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol. 32, Issue 3-4: 93-99.
- Tashakkori, A.; Teddli, C. (2003). *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*. Thousand Oaks: Sage.
- Weiss, Robert S. (1975) *Marital Separation*. New York: Basic Books Inc.